

۲۳۷۵۲۷۷

شماره نشر: ۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرواز تا بی نهایت

اکبر، علی، ۱۳۲۷، گردآورنده
پرواز تا بی‌نهایت/ تحقیق و نگارش علی اکبر؛ محققین حکمت قاضی میرسعید، محمد طاهری‌آذر،
رحمت‌الله سلمان ماهینی. - ویرایش ۲. - تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی
ایران (انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا)، ۱۳۷۲.

۲۶۹ ص. - تصویر (رنگی)، عکس - (انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا، ۰۷)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۹۷-۲۶-۵

شابک: ۱۶۰۰۰ ریال

چاپ سی‌ودوم: ۱۳۹۷

۱. بابایی، عباس، ۱۳۲۹ - ۱۳۶۶ - سرگذشتنامه. ۲. جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - شهیدان. الف.
قاضی میرسعید، حکمت. ب. طاهری‌آذر، محمد. ج. سلمان ماهینی، رحمت‌الله. د. سازمان عقیدتی سیاسی
ارتش جمهوری اسلامی ایران. معاونت فرهنگی.

شماره کتابخانه ملی ۱۰۰۰۴ - ۷۵ م

۹۵۵/۰۸۳۰۹۲

الف ۲۳ ب/ ۱۶۲۶ DSR



پرواز تا بی‌نهایت (یادنامه شهید امیر سرلشکر خلبان عباس بابایی)

- تحقیق و تألیف: علی اکبر، سید حکمت قاضی میرسعید، محمد طاهری‌آذر، رحمت‌الله سلمان ماهینی
- ویراستاران: جمشید غلامی‌نهاد، علی محمد کرمانی
- صفحه‌آرا: حمید وطن‌خواه
- حروفچین: اصغر جعفری
- طرح جلد: حمید خزاعی
- عکس: شادروان عبدالله باقری‌راد
- ناظر چاپ: محمدناصر بیاتی
- نوبت چاپ: پنجاهم
- سال چاپ: ۱۴۰۱
- شمارگان: ۵۰۰ نسخه
- بها: ۹۰۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۹۷-۲۶-۵
- ناشر: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی آجا
- لیوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران

«این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.»

نشانی: تهران، صندوق پستی ۳۳۷۶-۱۶۷۶۵، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران

معاونت فرهنگی و روابط عمومی (اداره فرهنگی و انتشارات) وبگاه: www.aja.ir

تلفن: ۸۱۹۵۹۳۸۱ و ۸۸۴۷۵۵۰۳ نشانی الکترونیکی: ajapub@yahoo.com

مرکز توزیع محصولات فرهنگی ارتش: ۳۲۹۳۹۱۲۴

فهرست

صفحه

راوی

عنوان

کودکی تا انقلاب

۱۷		نگاهی کوتاه به زندگانی شهید بابایی
۱۸	مرحوم حاج اسماعیل بابایی	در امتحانات رفوزه می‌شوی
۱۹	مادر شهید بابایی	شاگرد بی‌بضاعت
۲۰	خانم اقدس بابایی	به پدر و مادرم نگویند
۲۲	خانم اقدس بابایی	خواهرم را باید بگیری
۲۳	بروین سعیدی	به دنبال ما می‌دوید و از ما بوزش می‌خواست
۲۴	بروین سعیدی	درخت زرد آلو
۲۵	علی خوشینی	کلنگ را به من بده
۲۶	جواد بابایی	داداش آمبول زدن را یادم بده
۲۸	زهرآ بابایی	کارگری می‌کرد و دستمزدش را به من می‌داد
۲۹	خانم اقدس بابایی	نماز شکر می‌خواند
۳۰	خانم اقدس بابایی	به هنگام تعزیه از اسب فرود آمد
۳۱	آقای شعبان حکمت، دایی و پدر خانم شهید بابایی	پیرمرد را به مقصد برسان
۳۲	آقای سیماری	نامدار ناشناس
۳۴	ستوان محمد سعیدنیا	آسایشگاه طبقه دوم سرقفلی دارد
۳۶	خلبان آزاده تیمسار اکبر صیاد بورانی	می‌دوید تا شیطان را از خود دور کند
۳۷	خلبان آزاده تیمسار اکبر صیاد بورانی	او هیچ وقت پرسی نمی‌خورد
۳۸	تیمسار خلبان روح‌الدین ابوطالبی	بند زخت است؟ یا ...
۴۰	خلبان آزاده تیمسار اکبر صیاد بورانی	عباس در لباس کاپیتانی
۴۲	سرهنگ ولی‌الله کلانی	خلبان شدن ما با عنایت خداوند بود

۴۵	ستوان محمد سعیدنیا	سوغات فرنگ
۴۷	خانم اقدس بابایی	فلاکس چای را می شکند
۴۸	جواد بابایی	دیده دندان
۵۰	ستوان عظیم دربندسری	این هدیه ازدواج شماست
۵۴	اقدس بابایی	نباید روزه بگیرم
۵۶	خانم صدیقه حکمت	دختر رحمت است
۵۸	خانم صدیقه حکمت	خودش را سرزنش می کرد و قرآن می خواند
۵۹	خانم اقدس بابایی	خمس مال را داده‌اید؟
۶۰	خانم زهرا بابایی	النگوها را که می دید ناراحت می شد
۶۱	خانم اقدس بابایی	وقت را بیهوده تلف نکنید
۶۲	ستوان احمد رحمان قلهکی	می پنداشتم که او دلال ماشین است
۶۶	خانم اقدس بابایی	خدا یا دست را روی سرم بگذار
۶۷	تیمسار خلبان حبیب صادق پور	پرواز انقلابی

انقلاب تا رستاخیز

۷۱	تیمسار خلبان علی اصغر جهانبخش	ای کاش همه مثل او فکر می کردیم!
۷۲	ستوان حسن دوشن	هدیه آیت‌الله صدوقی به پایگاه اصفهان
۷۳	آقای کریمی شوهرخاله شهید بابایی	با پارتی بازی مخالف بود
۷۵	کارمند سیدجلیل مسعودیان	پابندی به مقررات
۷۶	سرگرد رضا نیکخواهی	ای کاش به جای آن کارگر بودم
۷۷	احمد بیابانی	سرباز متأهل و مشکل خانوادگی
۸۱	ستوان اکبر صادقیان	سعی کن سربازان را اذیت نکنی
۸۳	مسیح مدرسی	محبوب من آمد
۸۷	مسیح مدرسی و کمال میرمعجزیان	بابایی فرشته است یا...
۹۰	یکی از سربازان	هرگز مردی به بزرگی او ندیده‌ام

۹۳	خانم صدیقه حکمت	شبی پر از باران رحمت
۹۶	یکی از پرسنل که نخواست نامش فاش شود	من آدم دیگری شدم
۹۹	احمد اثنی عشر	سرباز که نباید از سرما بترسد
۱۰۱	کمال میرمعجزیان	رعایت حق بیت‌المال
۱۰۲	تیمسار محمد پیراسته	به اشتباه خود معترفم
۱۰۳	سرهنگ نادعلی آقاجانی	تو هم مثل من دشمن زیاد داری
۱۰۴	ستوان محمدعلی رجبی	یک نوع خورش
۱۰۵	تیمسار خلبان عباس حزین	سوخنگیری شبانه
۱۰۶	احمد اثنی عشر	تنبیه باید برای خدا باشد نه برای...
۱۰۷	سرهنگ حبیب انصاری	افراد ضعیف مستحق دریافت پول از بیت‌المال هستند
۱۰۸	احمد اثنی عشر	استفاده از امکانات فرماندهی
۱۱۰	سرگرد رضا نیک‌خواهی	بدون خدا حافظی پا به فرار گذاشت
۱۱۲	سرهنگ خلبان فضل‌الله جاویدنیا	پای برهنه در میان عزاداران
۱۱۳	ستوان احمد رحمان قلهکی	ممکن است ستمی باشد
۱۱۵	سرگرد اصغر وحید دستخیزی	مرد عمل یا هیاهو
۱۱۷	استوار علی محمد امیری	مارمولک در ظرف غذا
۱۱۹	کارمند مجید پورسعید	با دیدن شهید بابایی، خود را پنهان می‌کند
۱۲۰	ستوان احمد رحمان قلهکی	آفتاب سوزان و کلمن آب
۱۲۲	کارمند مجید پورسعید	مرد عزب و سور عروسی
۱۲۳	کارمند بهروز قسامی	داماد ۱۰۶ ساله
۱۲۴	کارمند بهروز قسامی	بین خودمان بماند!
۱۲۵	ستوان محمدحسین ممیززاده	نیاز به عذرخواهی نیست
۱۲۷	استوار علی محمد امیری	پوتین‌های واکس نزده
۱۲۸	سرهنگ ولی‌الله کلاتی	من هم می‌دانم بویک از پیکان بهتر است
۱۲۹	تیمسار خلبان محمد رضا عطائی	این مزرعه‌ها و آب‌ها متعلق به شماست
۱۳۰	سرهنگ موسی تبار	هر کس به من نزدیک‌تر است، آسیب‌پذیرتر است
۱۳۱	ستوان موسی صادقی	او دیگر دعا نخواند

۱۳۲	ستوان هوشنگ آل ابراهیم	آیندگان تو را خواهند شناخت
۱۳۳	کارمند سیدجلیل مسعودیان	به اختلافات خانوادگی دوستانش رسیدگی می کرد
۱۳۴	کارگر حسن احمدی	هر هفته مبلغ هزار تومان به من کمک می کرد
۱۳۵	شهید تیمسار رضا خورشیدی	مگر برای خوابیدن به اینجا آمده ام!
۱۳۷	ستوان اکبر صادقیان	در آغوش هم گریستند
۱۳۸	سرهنک نادعلی آقاجانی	اینها نعمت های خداوند هستند
۱۳۹	کارمند سیدجلیل مسعودیان	طلاهای همسرش را می فروشد
۱۴۱	کارمند سیدجلیل مسعودیان	مشکل ملاقات
۱۴۲	ستوان هوشنگ آل ابراهیم	نیمه شب از اصفهان تا پایگاه با پای پیاده
۱۴۳	ستوان هوشنگ آل ابراهیم	حتی برای پدرش هم پارتی بازی نکرد
۱۴۵	سرهنک نادعلی آقاجانی	خوب شد که بدون تحقیق تصمیمی نگرفتم
۱۴۶	سرهنک ولی الله کلاتی	مگر زن من با بقیه فرق می کند
۱۴۷	ستوان عباس صادقیان	ما وظیفه خودمان را انجام دادیم

شهادت نامه ها

۱۵۱	تیمسار خلبان محمدرضا عطاسی	پرواز همه زندگی بابایی بود
۱۵۲	ستوان هوشنگ آل ابراهیم	پیرمرد ذرت فروش
۱۵۴	سرهنک خلیل صراف	تلویزیون رنگی
۱۵۶	سرهنک ولی الله کلاتی	هر که درجه اش بالاتر است، پاسخش را می دهد!
۱۵۷	کارمند عبدالرضا صالح پور	می خواستید ما را بدوایتید
۱۵۹	ستوان حسن دوشن	فرمانده باید جلوتر از همه باشد
۱۶۱	سرهنک خلیل صراف	من یک سربازم، همانند سربازان دیگر
۱۶۲	سرهنک خلبان سیداسماعیل موسوی	انتظار مردم و عملکرد ما
۱۶۳	ستوان موسی صادقی	اگر همه لباس تو پوشیدند، من هم می پوشم
۱۶۵	تیمسار محمدرضا فریدونیان	سختی ها را به جان می خرید
۱۶۶	ستوان حسن دوشن	مسئله اصلی جنگ است

۱۶۹	ستوان قدیر علی قربانی	رقت قلب
۱۷۰	ستوان حسن دوشن	صبر ایوب لازم است
۱۷۳	تیمسار خلیان عزیز الله فیضی	سوغات آفریقا
۱۷۴	ستوان عظیم دربندسری	دعا برای هدایت دیگران
۱۷۶	کارمند آینه ساز	صبح با دیدن بابایی شرمنده شدیم
۱۷۸	تیمسار خلیان عباس حزین	لباس ساده
۱۷۹	شهید تیمسار خلیان رضا خورشیدی	از شرم، قطره های عرق بر پیشانی اش می لغزید
۱۸۳	ستوان حسن دوشن	بین اسبت چقدر تند می رود
۱۸۵	ستوان عباس گودرزی	مادر! چه کسی برایت عینک گرفته؟
۱۸۶	میرزا کرم زمانی	یاور درماندگان بود
۱۸۷	آقای رضائی	از زحمات دوران دبیرستان تشکر می کنم
۱۸۸	ستوان حسن دوشن	حلم و بردباری سازنده است یا...؟
۱۹۱	سرهنگ ولی الله کلاتی	او فرماندهی قدرتمند و مدبری قاطع بود
۱۹۵	ستوان حسن دوشن	آیا به عباس الهام می شد؟
۱۹۶	سرهنگ محسن توانی	او مرد عیلم بود نه حرف
۱۹۸	صدیقه حکمت همسر شهید	هیچ چیز نمی توانست او را از ذکر خدا باز دارد
۱۹۹	ستوان حسین حبیبیان	او با این حقوق کم چه می کند!
۲۰۱	ستوان حسن دوشن	این آب تبرک است
۲۰۲	سرهنگ خلیل صراف	کُلت داری؟
۲۰۴	تیمسار خلیان غلامحسین هاشم پور	زن گرفتن مگر کت و شلوار خریدن است!
۲۰۵	تیمسار خلیان عباس حزین	اشک شوق در چشمانم حلقه زد
۲۰۶	سرهنگ خلیل صراف	با دیدن کیابها ناراحت شد
۲۰۸	تیمسار خلیان محمد پیراسته	فرار از تشریفات
۲۰۹	سرهنگ خلیل صراف	اگر به موقع نرسم همه قتل عام خواهند شد
۲۱۱	سرهنگ خلیل صراف	زیر هر تار مویت یک شیطان خوابیده است
۲۱۳	ستوان حسن دوشن	او بحالت کشید و برگشت